

عنوان درسنامه: گاه بلا به سعادت می‌انجامد!!!

- موضوع: بلایا (جلسه دوم)
- مخاطب: نوجوان
- دسته: عقاید (جهان بینی الهی - عدل) مهارت های زندگی (مهارت رویارویی با مشکلات)
- هدف اصلی: مهارت رویارویی با مشکلات، تقویت امید و صبر و ایمان مخاطب با تکیه بر جهان بینی و عدالت الهی

سیر درسنامه / روش تدریس

▪ چه بسا چیزهایی برای ما ناگوار باشد درحالی که خیر و سعادت ما در آنهاست

▪ پاسخ به این سوال: چرا کفار کمتر به بلا گرفتار می شوند؟

▪ روش برخورد با مشکلات و بلاها

• یاد خداوند

• دعا کردن

• فکر کردن برای پیدا کردن ریشه مشکلات

• مشورت

• صبر و استقامت

▪ روش تدریس: توضیحی فعال (پرسش و پاسخ؛ مسابقه؛ شعر؛ داستان و قصه گویی)

ای که با نامت جهان آغاز شد

- ای که با نامت جهان آغاز شد
 - بر دامن «گل» دست تو سل نزدیکیم
 - افسوس که فرصت به تماشا بگذشت
- دفتر ما هم به نامت باز شد
از حرف به میدان عمل، پُل نزدیکیم
صد «گیم» تمام گشت و ما «گل» نزدیکیم

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت رفقای خودم؛

یه روز پیرمردی اسب زیبایش را گم کرد

در زمان های خیلی خیلی دور پیرمردی زندگی می کرد که یک اسب بسیار زیبا و گرون قیمت داشت ، اسبی که همه آرزوی داشتنش را داشتند، اسب آنقدر قشنگ بود که همسایه ها وقتی کارشون تو مزرعه تموم می شد میومدند و اون رو تماشا می کردند، یک روز اسب این پیرمرد گم شد. همسایگان که از شنیدن گم شدن اسب پیرمرد ناراحت شده بودند، همه برای دلداری دادن به سمت خونه اش حرکت کردند، یکی می گفت: خدا صبرت بده! یکی می گفت: اسب خوبی بود حیف شد! یکی می گفت: اشکال نداره شاید برگرده! خلاصه هرکسی یه طوری می خواست پیرمرد رو دلداری بده اما پیرمرد خیلی خونسرد و بدون هیچ غم و غصه ای گفت: اسبم گم شد که شد. حتما این گم شدن حکمتی داشته! همه از حرف مرد تعجب کردند وگفتند: عجب آدمیه اسبش گم شده میگه اشکال نداره حتما حکمتی داشته! چقدر خوشی زده زیر دلش!

اسب با چند اسب وحشی دیگر برگشت!

بعد چند ماه در کمال تعجب اون اسب با چند تا اسب جوان وحشی دیگر که همراه خودش آورده بود برگشت، بچه های روستا همه شاد و خوشحال دنبال اسبها می دویدند و بازی می کردند. همسایه ها که این صحنه رو دیدن جمع شدند و رفتند خونه اون پیرمرد که بهش تبریک بگن که هم اسب خودش برگشته هم صاحب چند تا اسب مجانی دیگه شده. این دفعه هم مثل دفعه قبل هر کسی یک چیزی می گفت: اما در کمال تعجب پیرمرد رو به اون ها کرد و گفت: این کجاش خوشحالی داره که من بی رنج و زحمت، به آسانی و مجانی چند اسب به دست آوردم، شاید این خودش موجب بدبختی برای من بشه. باز مردم از این حرف اون تعجب کردند و برگشتند.

پسر پیر مرد از اسب افتاد و پایش شکست



پیر مرد قصه ما تنها یک پسر داشت که علاقه زیاد به اسب سواری داشت، پسر تصمیم گرفت اسبهای وحشی که دنبال اسبشون وارد مزرعه شدند را رام کنه، موقع سواری و رام کردن اسبها افتاد و استخوان پایش شکست. باز مثل دفعه های قبل همه جمع شدند خونه پیر مرد و از نحسی اسبها می گفتند و.... اما در کمال تعجب این بار هم پیر مرد حرف عجیبی زد: استخوان پای پسر شکست که شکست! راضی ام به رضای خدا، انشالله خیر است. همسایه ها که باشگفتی سخنان پیر مرد رو گوش می کردند این بار هم خیلی نفهمیدن که منظور پیر مرد چیست؟



پسر پیرمرد به علت لنگ بودن از جنگ معاف شد

یک سال بعد حاکم ستمگر اون منطقه، جنگی با هدف کشور گشایی و ظلم به مردم راه انداخت و همه ی خانواده ها را مجبور کرد که جوانانشون به جنگجویانش اضافه بشوند، جنگ اتفاق افتاد و بیشتر جوانان منطقه کشته شدند، ولی پسر پیرمرد به علت لنگ بودن از جنگ معاف شد و به جنگ نرفت و زنده ماند و آنوقت بود که همسایگان به عمق گفته های پیرمرد رسیدند. بعضی وقتها ما فکر می کنیم چیزی بلاست ولی چه بسا حکمت و خیری در اون باشه.

مسابقه



گاه بلا به سعادت می انجامد، گاهی اصلاً ما فکر می کنیم بلا و مصیبت است، اصلاً بلا نیست، خیر و رحمت هست به فرموده خداوند متعال در قرآن کریم: (ترجمه ی آیه را با نوشتن اولین حرف ستون و ردیف سمت راست و با رمز 4 پیدا کنید)

چ	ر	ی	و	ه	ش	د	ش	ب
م	ح	ن	س	ا	ا	د	ا	د
ل	ا	چ	ر	آ	ش	ی	آ	ن
ت	ز	ن	ک	ه	ی	ا	ه	ب
ر	س	خ	ا	ا	ت	ی	ش	خ

پاسخ مسابقه

«چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیرِ شما در آن است.»

" عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ " / بقره آیه 216

چه بسا چیزی را دوست ندارید، در حالی که خیرِ شما در آن است و چه بسا چیزی را دوست دارید، در حالی که ضرر و شرّ شما در آن است.

جاده پر پیچ و خم مانع خواب آلودگی راننده



گاهی بعضی اتفاقات می افتد که ما گمان می کنیم بلا و مصیبت و گرفتاری ماست ولی فی الواقع خیر و خوبی ما در آن است؛ الان مهندسين راه و شهرسازی می گویند: اگر جاده های طولانی صاف باشد، حادثه و سوانح رانندگی بیشتر اتفاق می افتد چون راننده خوابش می گیرد، می گویند: در راه های طولانی راه را دارای پیچ و خم درست کنند، در زندگی یکنواخت آدم از خدا غافل می شود. ابزار مادی انسان را از خدا غافل می کند. این یک حقیقتی است.

چی میشه اگر همه دکتر باشند؟

اختلاف و تفاوت لازمه ی زندگی در دنیاست، ما گمان می کنیم مشکل هستند.

فرض کنید از امروز همه دکتر بشوند، یعنی همه استعداد و توانایی بالا داشته باشند و همه خوب درس بخوانند و همه دکتر بشوند؛ چه خوب! همه دکتر باشند که خیلی عالیه اما یه اشکال پیش میاد مثلا ظهر حسابی گشنه شدیم و مامان گفته ظهر نون بگیر ناهار آبگوشت داریم. میریم در نانوايي محل می بینیم نوشته مطب شاطر علی !!! میریم داخل میگیریم نون ندارید؟! منشی جواب میده از امروز اینجا مطبه، نسخه میخوای میدیم، نون نداریم. ا، پس من چی کار کنم.

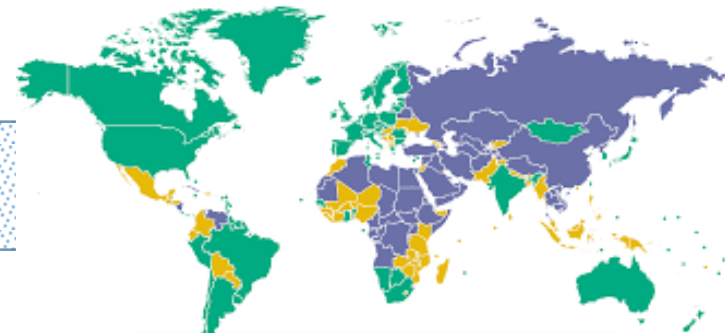
خلاصه هر جا میرم همه نوشتن مطب دکتر فلانی، ما هم کلافه میریم سمت خونه. بچه ها اگر قراره ما یک دنیای خوب داشته باشیم، تفاوت و اختلاف لازمه ی داشتن یه دنیای خوب است، باید هرچیز سر جای خودش باشه و هر فرد کار خودش رو انجام بده نه اینکه همه چیز شبیه هم باشه.

چرا کفار کمتر به بلا گرفتار می شوند؟

چرا کفار کمتر به بلا گرفتار میشوند؟ به نظرتون جواب این سوال با توجه به حرفهایی که زدیم چیه؟ / پس از شنیدن نظرات دانش آموزان جمع بندی می کنیم

کی گفته کفار دچار بلا نمی شوند؟

اولاً کی گفته اونا به بلا مبتلا نمیشن، مثل همین آتش سوزی های آمریکا که برخی شهرهای ایالت کالیفرنیا کلاً به ویرانه تبدیل شدند، یا سونامی که میلیون ها نفر را ویران کرده و هیچ اثری از شهرها به جا نگذاشتند، یا بیماری سارس و زیکا و.... اتفاقاً بلاهایی که در آمریکا و بلاد کفر اتفاق می افتد خیلی هم بزرگ و هولناک هست، منتها چون همیشه یه چهره فانتزی از غرب را به ما نشون دادند ما گمان می کنیم اونجا همه چیز گل و بلبله....



قانون عمل و عکس العمل

یک اصل و قانون ثابت وجود دارد به اسم قانون عمل و عکس العمل، ما غالبا با عکس العمل رفتارهای خودمان روبرو می شویم؛ در بسیاری از اتفاقات ناخوشایند خود ما باعث آن شدیم و اتفاقا نتیجه ی مستقیم تلاش و کوشش در هر جایی موفقیت و پیروزی است

این قانون کافر و مسلمان، ایرانی و غیر ایرانی نمی شناسد. مثلا فرض کنید یک دانش آموزی خیلی درس بخونه خب طبیعتا باید تو امتحان نمره خوبی بگیره حالا دین دار باشد یا بی دین، بی ادب باشد یا با ادب، این ها در نتیجه امتحان تاثیری ندارند پس هرکی تو این دنیا تلاش کنه، درست اقدام کنه، درست انتخاب کنه و درست تصمیم بگیره نتیجه ی مثبتش را می بینه و به عکس اگه درست انتخاب نکنیم، تلاش نکنیم و...

حضرت امیرالمومنین می فرمائید: « من طلب شیئا و جدّ وجد ،هرکس با تمام وجود در پی چیزی باشد به آن می رسد.

شرح بر غرر الحکم و درر الکلم، 7جلدي، ج4، ص494.

آگه احساس درد نداشتیم چی می‌شد؟

تا به حال فکر کردید آگه درد نداشتیم چی می‌شد؟ شاید زمستون دست یا پامون را می‌گذاشتیم روی بخاری و کلا گوشت و پوستش می‌سوخت و ما از بوی گوشت سوخته متوجه می‌شدیم، پس درد ما را متنبه می‌کند، هوشیار می‌کند اینه که زود به فکر درمان می‌افتیم.

گفته شد، یکی از فلسفه‌های بلا، تنبه و آگاهی است، به طور کلی هرچه باعث تنبه و هوشیاری انسان بشه خوب و مطلوب هست، حتی درد! اتفاقاً درد نعمت و معجزه فیزیولوژیکی بزرگی است که ما را نسبت به اشکال و ایراد در سیستم بدن و بیماری آگاه می‌کنه

به عقب افتادن عذاب برای عذاب بزرگتر

«وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ مَا نُمَلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّ مَا نُمَلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا إِثْمًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ، / سوره مبارکه آل عمران آیه 178.

آنها که کافر شدند، (و راه طغیان پیش گرفتند)، تصور نکنند اگر به آنان مهلت می‌دهیم، به سودشان است! ما به آنان مهلت می‌دهیم فقط برای اینکه بر گناهان خود بیفزایند؛ و برای آنها، عذاب خوارکننده‌ای (آماده شده) است!

یا حتی بعضی وقت‌ها نعمت دادن به کفار می‌تواند امتحان برای ما باشد که ایمان ما آزمایش بشود که چقدر به خدا اعتماد و ایمان داریم.

راز موفقیت یک کوهنورد ماهر

خب بچه ها همین طور که دیدید ما انواع سختیها و مشکلات تو زندگی داریم که برای همه هم وجود داره. اصلا ما آدمای مثل یک کوهنوردیم. یک کوهنورد ماهر با پشت سر گذاشتن سختیهای مسیر به قله میرسه و به عکس ممکنه یک نفر با اولین سختی همون جا سر جاش بشینه و دیگه حرکت نکنه. طبیعتا هیچ وقت هم به قله نمیرسه. اصلا اینکه تا الان ما انواع مشکلات رو گفتیم برای همین بود. یک ورزشکار حرفه ای مثلا یک کشتی گیر برای اینکه بتونه حریفش رو شکست بده اول سعی میکنه حریفش رو خوب بشناسه. اولین قدم ما برای پیروزی در برابر مشکلات هم اینه که اون ها رو خوب بشناسیم. خب حالا که انواع مشکلات رو دونستیم مرحله بعد اگر مشکلی پیش اومد باید چی کار کنیم؟



راه مقابله با بلاها: (1) یاد خدا

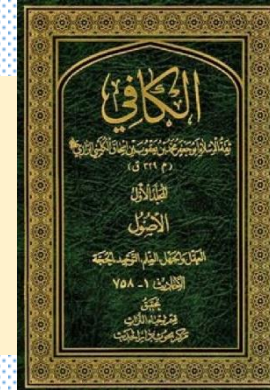
اولین و مهمترین مطلب اینه که **خدا** را فراموش نکنیم و اتفاقا رابطه خود را با خداوند تقویت کنیم، کسی که خدا دارد چی کم دارد؟

آن کس که تو را دارد از عیش چه کم دارد وان کس که تو را بیند ای ماه چه غم دارد

کسی که خدا دارد از هیچ مشکلی هراس ندارد، خواه ابراهیم باشد در آتش یا یوسف در قعر چاه، یا یونس در شکم ماهی، مهم این است که خدا با ماست

تنها راه آرامش

« أَلَّا يَذْكُرِ اللَّهُ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ » (سوره رعد آیه 28) یاد خدا مایه ی آرامش ماست
و خدا که با ما باشد هیچ چیز نمی تواند به ما آسیبی برساند، حتی اگه بی یار و
یاور و تک و تنها باشیم،



من این چنین نیستم...

روایت شده است که جابر بن عبد الله انصاری در اواخر عمرش به ضعف و پیری و ناتوانی مبتلا شده بود. امام باقر علیه السلام به دیدنش رفت و احوالش را پرسید، جابر گفت: من در حالی هستم که پیری را بر جوانی و مرض را بر سلامت و مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهم. امام باقر علیه السلام فرمود ای جابر! من این چنین نیستم که چیزی را بر چیز دیگر ترجیح دهم، پس اگر خدا مرا پیر کند پیری را دوست دارم و اگر جوان قرار دهد جوانی را دوست دارم و اگر مرا مریض کند مرض را دوست دارم و اگر شفایم دهد شفا و سلامت را دوست می‌دارم و اگر بمیراند مردن را دوست می‌دارم و اگر زنده نگه دارد زندگی را دوست می‌دارم خلاصه آن چه را که خداوند بخواهد تسلیم او هستم.

راه مقابله با بلاها: (2) دعا کردن

دعا یکی از مواردی است که خداوند به دعا کنندگان قول داده صد درصد دعایشون مستجاب و برآورده بشه

« اذْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ » / بخوانید مرا تا شما را استجابت کنم. سوره غافر آیه 60

حال اگر انسان حاجت‌مند، برای رفع گرفتاری خود دعا کند و استجابت دعای او به مصلحت نباشد، خداوند در قیامت برای دعا کننده جبران میکند و آنقدر به او پاداش میدهد که راضی شود

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «اگر دعای تو مستجاب نشد، مصلحت نبود و علت آن را برای او روشن می‌کند و به گونه‌ای برای او جبران می‌نماید که آن بنده می‌گوید ای کاش هیچ یک از دعاهایم در دنیا مستجاب نشده بود.»

راه مقابله با بلاها: (3) استغفار

خداوند در قرآن کریم می فرماید: " وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ " / سوره مبارکه انفال آیه 33.

اگره خدای نکرده گناهی انجام دادیم توبه کنیم و از خدا بخواهیم که ما رو ببخشد.
یعنی استغفار به رفع عذاب می انجامد مثل قوم حضرت یونس که وقتی متوجه شدن قراره عذاب بیاد توبه کردن و خدا اون ها رو ببخشد و عذاب رو ازشون برداشت.

راه مقابله با بلاها: (4) مشورت

وقتی مشکلی برایمون ایجاد شد میتونیم با دیگران مشورت کنیم و از شون کمک بگیریم. به نظرتون ما اگر یک مغز داشته باشیم بهتر فکر میکنیم یا اگه دو تا یا سه تا یا بیشتر؟ ما وقتی مشورت میکنیم در واقع داریم از فکر و عقل دیگران استفاده میکنیم و این باعث میشه راه حل های بهتری برای مشکلاتمون پیدا کنیم.

از امام علی (علیه السلام) نقل شده است که فرمود: «الْمَشَوْرَةُ تَجْلِبُ لَكَ صَوَابَ غَيْرِكَ» / مشورت کردن، اندیشه‌های درست دیگران را برای تو کسب می‌کند.

میزان الحکمة، ج ۶، ص ۲۹۰۰ - غرر الحکم ح 1546

راه مقابله با بلاها: (5) صبر و استقامت

اما آخرین نکته صبر و استقامت است، باید بدانم من اولین کسی نیستم که با این مشکل مواجه شدم، افراد بسیاری قبل از من این مشکلات را داشته اند و توانستند مشکل را پشت سر بگذارند، و اتفاقاً من از همه ی آنها می توانم قویتر و محکمتر باشم، باور داشته باشیم که می توانیم و هیچ چیز نمی تواند ما را شکست دهد.



تکلیف

تا جلسه بعد یک مشکلی که تا الان خیلی برامون سخت بوده و همیشه ما رو اذیت می کرده یادداشت کنیم و بگیم به نظرمون جزء کدوم دسته از مشکلاته و یک راه حل برای رفعش پیشنهاد بدیم.



دعا



- گفتیم یکی از بهترین کارها دعا کردن است. بچه ها میخواهم چند تا دعا کنم شما آمین بگویید:
- خدایا کمکمون کن بتوانیم نعمت هایی که به ما دادی رو درک کنیم و شکر اون ها رو به جا بیاوریم و فکر نکنیم آن چیزی که خیر ما در آن بوده ، بلایی برای ماست و ناشکری کنیم!
- خدایا کمکمون کن بتوانیم تنبلی رو کنار بگذاریم تا با تلاش به چیزهایی که میخواهیم برسیم!
- خداوندا کمک کن بتوانیم از امتحاناتی که برای بزرگ شدن ما تو مسیر زندگیمون قرار می دهی، سربلند خارج بشویم!
- خدایا کسانی که به خاطر ظلم دیگران تحت فشار مشکلی قرار گرفته اند مثل مردم و کودکان مظلوم یمن و بحرین یاری نما و دشمنان رو نابود کن!

